

نوشته و. ای. لنین

اعتلاء انقلابی (۱)

اعتصاب عظیم پرولتاریای سراسر روسیه در ماه مه و تظاهرات در خیابان ها که به این اعتصاب مربوط بود، شب نامه های انقلابی و نطق های انقلابی که در برابر توده های کارگران ایراد شد، آشکارا نشان داد که روسیه قدیم به مرحله اعتلاء انقلابی خود گذارده است.

این اعتلاء انقلابی بهیچوجه یک پدیده ناگهانی نبود. شرایط زندگی روس از مدتها پیش، زمینه چنین اعتلایی را فراهم می نمود و اعتصابات توده ای مربوط به تیراندازی لنا (۲) و اول ماه مه فقط بروز آن را بطور قطعی مشخص کرد. پیروزی موقتی ضد انقلاب ارتباط لاینفکی با فرو نشست مبارزه توده ای کارگران داشت. تعداد اعتصاب کنندگان، منظره ای از وسعت میدان این مبارزه بدست میدهد که گرچه تقریبی است ولی در عوض بدون شک واقعی و دقیق است.

طی مدت ده سال قبل از انقلاب یعنی از سال ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۴ تعداد متوسط اعتصاب کنندگان (بدون در نظر گرفتن کم و کسر آن) سالانه ۴۳ هزار نفر بود. در سال ۱۹۰۵ این تعداد به ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر، در سال ۱۹۰۶ به یک میلیون و در ۱۹۰۷ به ۷۵۰ هزار نفر بالغ شد. صفت مشخصه دوره سه ساله انقلاب آنچنان اعتلایی در مبارزه اعتصابی پرولتاریا است که تاکنون در جهان نظیرش دیده نشده است. زوال آن که از ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ آغاز شده بود در سال ۱۹۰۸ بطور قطعی مشخص گردید، تعداد اعتصاب کنندگان به ۱۷۵ هزار نفر رسید. کودتای سوم ژوئن سال ۱۹۰۷ که حکومت مطلقه تزار - این متحد دومای ملاکان باند سیاه و آس های بازرگانی و صنایع را احیاء نمود، نتیجه ناگزیر فرو نشست انرژی انقلابی توده ها بود.

دوره سه ساله ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۰ دوران تاخت و تاز ضدانقلاب باند سیاه و ارتداد بورژوازی لیبرال و نومیدی و پراکندگی پرولتاریا بود. شماره اعتصاب کنندگان دائماً رو به نقصان میرفت و در سال ۱۹۰۹ به ۶۰ هزار نفر و در سال ۱۹۱۰ به ۵۰ هزار نفر رسید.

ولی از پایان سال ۱۹۱۰ تغییرات محسوسه آغاز میگردد. تظاهراتی که به مناسبت مرگ لیبرال مورومتسف و لئون تولستوی روی داد و همچنین جنبش دانشجویان بطور واضحی نشان میدهد که نسیم دیگری به وزش آمده و در روحیات توده های دموکرات تغییرات معینی به وقوع پیوسته است. سال ۱۹۱۱ نشان میدهد که توده های کارگر آهسته آهسته به مرحله تعرض قدم میگذارند؛ تعداد اعتصاب کنندگان به صد هزار نفر میرسد. هر طرف قرائنی وجود دارد دال بر اینکه دوران خستگی و خمود که در نتیجه پیروزی ضد انقلاب بوجود آمده بود سپری میشود و گرایش بسوی انقلاب مجدداً آغاز میگردد. کنفرانس کل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در ژانویه سال ۱۹۱۲، ضمن نتیجه گیری از ارزیابی شرایط موجود این حقیقت را تأیید نمود که " در محافل وسیع دموکراسی و در نوبه اول بین پرولتاریا جنب و جوش سیاسی آغاز شده است. اعتصاب کارگری سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱، آغاز تظاهرات و میتینگ های پرولتری، آغاز جنبش در بین دموکراسی بورژوازی شهری (اعتصاب

دانشجویان) و غیره و غیره، - همه اینها مظاهر رشد روز افزون روحیات انقلابی توده ها بر ضد رژیم سوم ژوئن است" (رجوع شود به جزوه " اطلاعات" کنفرانس صفحه ۱۸).

مقارن ربع دوم سال جاری این روحیات به چنان مدارجی ارتقاء یافته بود که در عملیات توده ها متظاهر شد و موجبات اعتلای انقلابی را فراهم آورد. جریان حوادث در یک سال و نیم اخیر بطور وضوح نشان میدهد که در این اعتلای انقلابی هیچ عامل تصادفی وجود ندارد و پیدایش آن کاملاً طبیعی و معلول جبری کلیه سیر تکامل پیشین روسیه است.

کشتار لنا انگیزه ای بود برای تبدیل روحیه انقلابی توده ها به اعتلای انقلابی. هیچ چیز کاذبانه تر از این ادعای لیبرالی نیست که تروتسکی به پیروی از انحلال طلبان، در " پراودا"ی وین تکرار میکند و بر طبق آن گویا " مبارزه در راه آزادی ائتلاف اساس فاجعه لنا و واکنش عظیم آن در سراسر کشور است". خواست آزادی ائتلاف خواه بعنوان یک خواست مخصوص و خواه بعنوان یک خواست عمده بهیچوجه در اعتصاب لنا مطرح نبود. آنچه در کشتار لنا برملا شد به هیچوجه فقدان آزادی ائتلاف نبود بلکه فقدان آزادی از چنگ مفسده جویی، محرومیت و بیحقوقی عمومی و ستمگری مطلق بود. کشتار لنا، همانطور که ما در شماره ۲۶ " سوسیال دموکرات" توضیح داده ایم، تمام ماهیت رژیم سلطنتی سوم ژوئن را به دقیقترین طرز منعکس نمود. صفت مشخصه حوادث لنا به هیچ وجه مبارزه در راه یکی از حقوق، ولو اینکه برای پرولتاریا اساسی ترین و مهمترین جنبه ها را هم داشته باشد، نبود. صفت مشخصه این حوادث فقدان مطلق بدوی ترین قوانین از هر لحاظ بود. صفت مشخصه حوادث لنا این بود که یک مفسده جو، جاسوس، تأمینات چی و نوکر تزار بدون هیچ علت سیاسی دست به قتل و کشتار توده ای زد. محرومیت و بیحقوقی عمومی در زندگی روس، بیثمری و عدم امکان مبارزه در راه حقوق جداگانه، اصلاح ناپذیری سلطنت تزاری و تمام رژیم آن، همان چیزی بود که در حوادث لنا با چنان وضوحی خودنمایی کرد که آتش انقلاب را در بین توده ها شعله ور ساخت .

اگر لیبرالها تقلانان کوشیده و میکوشند حوادث لنا و اعتصابات ماه مه را جنبشی حرفه ای و مبارزه ای در راه احراز " حقوق" وانمود سازند، ولی برای هر شخصی که مشاجرات لیبرالی (و انحلال طلبی) دیده بصیرتش را نابینا نساخته از این جریان چیز دیگری واضح میگردد. برای چنین شخصی واضح است که این اعتصاب توده ای جنبه انقلابی داشته است. این موضوع در بیانیه ماه مه گروههای مختلف سوسیال دموکرات پتربورگ (و حتی یکی از گروههای کارگری اس.آرها !) بویژه خاطر نشان شده است. ما متن کامل آن را مجدداً در ستون اخبار چاپ میکنیم. شعارهایی که از طرف کنفرانس همگانی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در ژانویه سال ۱۹۱۲ داده شده در این بیانیه تکرار میشود.

و اما موضوع عمده ای که جنبه انقلابی اعتصابات لنا و ماه مه را تأیید میکند حتی شعارهم نیست. شعارها فقط فرمولبندی آن چیزهایی بودند که واقعیات از آن حکایت میکنند. واقعیت اعتصابات توده ای که دامنه آنها از ناحیه ای به ناحیه دیگر کشیده میشود، - رشد عظیم آنها، - سرعت بسط و توسعه آنها، - تهور کارگران، - کثرت میتینگها و نطقهای انقلابی، - مطالبه الغاء جریمه جشن گرفتن اول ماه مه، - توأم بودن اعتصاب سیاسی و اقتصادی که ما از همان انقلاب روس با آن آشنا هستیم - تمام اینها جنبه واقعی جنبش یعنی اعتلای انقلابی توده ها را به رأی العین نشان میدهد.

تجربه انقلاب سال ۱۹۰۵ را بخاطر بیاوریم. حوادث به ما نشان میدهند که سنت اعتصاب سیاسی توده ای در بین کارگران زنده است و کارگران فوراً این سنت را برپا داشته و احیاء نمودند. اعتلای اعتصابی سال ۱۹۰۵، که

در جهان بی نظیر بود، در ربع اول سال، ۸۱۰ هزار اعتصاب کننده و در ربع آخر سال، یک میلیون و ۲۷۷ هزار اعتصاب کننده داد که در آن اعتصاب سیاسی و اقتصادی با هم توأم بود. طبق حساب تقریبی، اعتصابات لنا قریب ۳۰۰ هزار کارگر و اعتصاب ماه مه قریب ۴۰۰ هزار کارگر را در بر گرفت و دامنه اعتصابات هم دائماً در حال توسعه است. در هر شماره از روزنامه ها - حتی روزنامه های لیبرال - از چگونگی گسترش دامنه حریق اعتصاب اطلاع داده میشود. ربع دوم سال ۱۹۱۲ هنوز کاملاً سپری نشده ولی از هم اکنون این حقیقت بطور صریح هویدا است که آغاز اعتلای انقلابی در سال ۱۹۱۲ از لحاظ جنبش اعتصابی وسعت دامنه اش از آغاز اعتلای انقلابی در سال ۱۹۰۵ کمتر نبوده و حتی بیشتر است!

انقلاب روس برای اولین بار اسلوب پرولتری تبلیغات، این طریق تکان دادن، متحد ساختن و جلب توده ها به مبارزه را در مقیاس وسیعی بسط و توسعه داد. و اکنون پرولتاریا مجدداً و با عزمی راسختر این اسلوب را بکار میبرد. هیچ نیرویی در جهان نمیتوانست آنچه را که پیشاهنگ انقلابی پرولتاریا به کمک این اسلوب عملی میکند انجام دهد. کشور عظیمی با ۱۵۰ میلیون جمعیت که در فضایی بس پهناور پراکنده و متفرق است، از هر طرف در معرض ظلم و بیدادگری است. در ظلمت جهل بسر میبرد و بوسیله اردویی از مأمورین و پلیس و جاسوس راه هر گونه " نفوذ زبان آوری" بر وی سد شده است - یک چنین کشوری سراسر به جوش آمده. عقب مانده ترین قشرهای کارگران و دهقانان بطور مستقیم یا غیر مستقیم با اعتصاب کنندگان تماس مییابند. صدها هزار نفر مبلغ انقلابی، که چون با قشرهای پایین یعنی توده ها ارتباط لاینفک دارند و در صفوف آنها باقی مانده و در راه میرم ترین نیازمندیهای هر خانواده کارگری مبارزه کرده و اعتراض سیاسی و مبارزه بر ضد سلطنت را با این مبارزه که مستقیماً در راه نیازمندیهای اقتصادی است توأم میکنند، لذا نفوذشان دائماً رو به ترازد است، دفعتاً در صحنه ظاهر شده اند. زیرا ضد انقلاب در بین میلیونها و دهها میلیون افراد حس نفرت شدیدی را نسبت به سلطنت تولید کرده و برای پی بردن به نقش آن مقدمات لازم را فراهم نموده و در نتیجه حالا دیگر شعار کارگران مترقی پایتخت یعنی شعار - زنده باد جمهوری دموکراتیک! پس از هر اعتصابی از طریق میلیونها مجرا به محیط قشرهای عقب مانده و ایالات دور افتاده یعنی به محیط "مردم" و "اعماق روسیه" راه مییابد.

استدلال سه وریانین (۳) لیبرال درباره اعتصاب که روزنامه " روسکیه و دومستی" با طیب خاطر آن را پذیرفت و " رچ" با حسن علاقه آن را چاپ کرد دارای جنبه بسیار مشخص کننده ای است.

آقای سه وریانین میپرسد: " آیا کارگران برای مخلوط نمودن اعتصاب اول ماه مه با خواستهای اقتصادی یا خواستهای دیگر (!) دلیلی دارند؟" و جواب میدهد: " بجز آن میتوانم بگویم که ندارند. هر اعتصاب اقتصادی فقط پس از سنجش جدی احتمال موفقیت میتواند و باید شروع شود... به همین علت است که مرتبط ساختن این اعتصابات بخصوص با روز اول ماه مه اکثراً بی اساس است... و اصولاً عجیب است که روز جشن جهانی کارگران را برگزار نماییم و بدین مناسبت طلب کنیم برای خرید فلان نوع متقال ۱۰ درصد اضافه حقوق داده شود."

این است استدلال یک لیبرال! و آنوقت این رذالت برون از حد و این پستی و دون فطرتی را "بهترین" روزنامه های لیبرال، که دعوی عنوان دموکراتیک دارند، با حسن علاقه می پذیرند!

در پس جملات پر زرق و برق این لیبرال پلیدترین آزمندی یک بورژوا و رذیلانه ترین بزدلی یک ضدانقلاب نهفته است. او خیلی مایل است دست به ترکیب کیسه اربابها نخورد. او خیلی مایل است نمایش " منظم" و "بی ضرری" به نفع "آزادی اتحاد" برپا شود! و حال آنکه پرولتاریا بجای این کار، توده ها را به اعتصاب انقلابی میکشاند، همان اعتصابی که سیاست و اقتصاد را بطور لاینفکی با هم مربوط میکند و عقب مانده ترین قشرها را در نتیجه

موفقیت مبارزه در راه بهبود فوری زندگی کارگران بسوی خود جلب مینماید و در عین حال هم مردم را علیه سلطنت تزاری بر میانگیزد .

آری، تجربه سال ۱۹۰۵ سنت عمیق و با عظمتی را برای اعتصابات توده ای بوجود آورد. و نباید فراموش کرد که این اعتصابات در روسیه به کجا منجر میشود. در کشور ما اعتصابات مصرانه توده ای ارتباط لابنفکی با قیام مسلحانه دارد .

این گفته ما را سوء تعبیر نکنند. صحبت به هیچ وجه بر سر دعوت به قیام نیست. چنین دعوتی در زمان حال بینهایت نابخردانه است، صحبت بر سر تعریف آن ارتباطی است که در روسیه بین اعتصاب و قیام وجود دارد.

رشد قیام سال ۱۹۰۵ چگونه انجام گرفت؟ نخست این که اعتصابات توده ای و تظاهرات و میتینگها موجب تکثیر تصادم های جمعیت با پلیس و ارتش میشد. دوم اینکه اعتصابات توده ای دهقانان را به یک رشته قیامهای جزئی، منقطع و نیمه خودبخودی واداشت. سوم اینکه اعتصابات سیاسی خیلی زود به ارتش و نیروی دریایی سرایت کرد و موجب بروز تصادماتی بر زمینه اقتصادی (شورشهای نخود لویا و غیره) و سپس قیام گردید. چهارم اینکه ضدانقلاب در همه جا خودش بوسیله تالانها و قتل عام دموکراتها و غیره جنگ داخلی را شروع میکرد.

علت شکست انقلاب ۱۹۰۵ برخلاف تصور مرتدان لیبرال و غیره ابدآ این نبود که انقلاب "زیاد جلو" رفته بود یا قیام دسامبر "مصنوعی بود" برعکس، علت شکست این بود که قیام بقدر کافی جلو نرفت. آگاهی به ضرورت آن به حد کافی در بین طبقات انقلابی رسوخ نیافته و کاملاً ملکه آنان نشده بود. در قیام - اتفاق، عزم جزم، تشکل، وحدت زمانی در عمل و روح تعرضی وجود نداشت.

حال ببینیم آیا در لحظه فعلی علائمی مشاهده میشود که دال بر رشد قیام باشد؟ برای اینکه تحت تأثیر احساسات انقلابی قرار نگرفته باشیم، اکتیاریستها را شاهد میاوریم. اتحادیه آلمانی اکتیاریست ها در پتربورگ قسمت اعظمش متعلق به اکتیاریست های باصطلاح "چپ" و "مشروطه طلب" است که بخصوص کادتها آنها را دوست دارند و (نسبت به سایر اکتیاریست ها و کادتها) بیش از همه میتوانند "با نظر عینی" به حوادث بنگرند و هدفشان این نیست که مقامات عالیه را با شیخ انقلاب بترسانند.

"سنت پترزبورگ زاپتونگ" ، ناشر افکار این اکتیاریست ها، ضمن تفسیر وقایع سیاسی هفته در تاریخ ۶ (۱۹) ماه مه چنین مینویسد :

"ماه مه فرا رسید. صرفنظر از وضع هوا، این ماه معمولاً برای ساکنین پایتخت چندان مطبوع نیست زیرا با "جشن" پرولتاریا آغاز میشود. در این سال که کارگران هنوز تحت تأثیر تظاهرات لنا هستند، روز اول ماه مه بخصوص خطرناک بود. از هوای پایتخت که شایعات گوناگونی درباره اعتصابها و تظاهرات آن را پُر کرده بود بوی حریق به مشام میرسید. پلیس وفادار ما آشکارا مضطرب بود، تفتیشاتی بعمل میآورد، اشخاصی را توقیف میکرد، واحدهای بزرگی را آماده میکرد برای اینکه از تظاهرات خیابانی جلوگیری نماید. این کیفیت که پلیس هیچ چیز را هوشمندانه تر از این ندید که اداره های روزنامه های کارگری را مورد تفتیش قرار دهد و سردبیران آنها را توقیف نماید، نشان میدهد که پلیس به اعمال آن سلسله جنبنانانی که هنگامی عروسکی کارگران را به حرکت در می آورد چندان واقف نیست. و حال آنکه این سلسله جنبنان وجود دارند. روح انضباطی که در اعتصابات حکمفرما بود و قرائن بسیار دیگر گواه بر این مدعا است. همانا به این جهت این اعتصاب ماه مه ، که بزرگترین اعتصابی

است که تاکنون مشاهده شده، اینقدر وحشتناک است. در آن ۱۰۰ و حتی ۱۵۰ هزار کارگر از کارگاههای بزرگ و کوچک شرکت کردند. این فقط یک رژه مسالمت آمیز بود ولی بهم پیوستگی این ارتش جلب توجه مینماید. بخصوص که با هیجان اخیر کارگران، حوادث اضطراب آور دیگری نیز توأم بود. در ناوهای مختلف نیروی دریایی ما عده ای از ناویان به علت تبلیغات انقلابی بازداشت شدند. با توجه به کلیه اخباری که در جراید درج شده است اوضاع و احوال در ناوهای جنگی ما، که اصولاً تعداد آنها هم زیاد نیست، چندان تعریفی ندارد... وضع کارگران راه آهن هم موجب اضطراب خاطر است. گرچه در هیچ جا حتی کار به کوشش برای برپا نمودن اعتصاب هم نرسید، ولی توقیف ها - بویژه توقیفهایی از قبیل توقیف آ. آ. اوشاکف معاون رئیس ایستگاه خط نیکلا که نظر همه را به خود جلب میکند - نشان میدهند که در اینجا نیز خطر معینی وجود دارد.

بدیهی است تلاشهای انقلابی توده های ناپخته کارگر در نتایج انتخابات دوما فقط میتواند تأثیر مضر داشته باشد. این تلاشها بخصوص از این جهت نابخردانه است که... تزار حکم انتصاب مانوچین را صادر نمود و شورای دولتی هم بیمه کارگران را تصویب کرده است!!"

این است استدلال اکتیاریستهای آلمانی. ما از جانب خود متذکر میشویم که در خصوص ناویان اطلاعات دقیقی از محل کسب نموده ایم که ثابت میکند "نویه ورمیا" در این قضیه راه مبالغه پیموده و آن را بزرگ میکند. اداره آگاهی آشکارا به مفسده جویی "مشغول است"، تلاشهای پیش از موقع برای برپا نمودن قیام نهایت بیخردی است. کارگر پیشاهنگ باید بفهمد که شرایط اساسی قیام مسلحانه بموقع - یعنی قیام پیروزمندانه - در روسیه عبارت است از پشتیبانی دهقانان دموکرات از طبقه کارگر و شرکت فعال ارتش در آن.

اعتصابهای توده ای در ادوار انقلابی دارای منطق عینی مخصوص بخود هستند. این اعتصابها هزارها و میلیونها اخگر به هر سو می افشانند - در حالی که در دور و اطراف مواد محترقه ای شامل خشم بینهایت، رنج بیسابقه از گرسنگی، خودسری بی حد و حصر، تحقیر بیشرمانه و وقیحانه نسبت به "بینوایان" و "موزیک" و دون رتبه ها پراکنده است. تحریکات لجام گسیخته ضد یهود و تالان گرانه ای را که باند سپاه بدان مشغول است و راهزنان دریاری نیکلای رومانف سفیه و سفاک نیز در پشت پرده آن را حمایت و هدایت میکنند، به این موضوع اضافه نمایم... "چنین بود و چنین خواهد بود" (۴) این کلمات ابدی نشان از ماکارف وزیر تزار است و همین کلمات بود که بلای جان خود او، طبقه او و تزار ملاک او شد!

اعتلای انقلابی توده ها وظایف خطیر و پر مسئولیتی را به دوش هر کارگر سوسیال دموکرات و هر دموکرات پاکدامنی می نهد. کنفرانس کل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه این وظایف را چنین تعیین نموده است - " پشتیبانی همه جانبه از جنبش آغاز شونده توده ها (اکنون باید گفت : از جنبش انقلابی آغاز شده توده ها) و بسط و توسعه دامنه آن در زیر لوای شعارهای کاملاً قابل اجرای حزب". شعارهای حزب - یعنی جمهوری دموکراتیک، روزکار ۸ ساعته و ضبط کلیه زمینهای ملاکان - باید شعار تمام دموکراسی و شعار انقلاب مردم گردد.

برای پشتیبانی و بسط و توسعه جنبش توده ها تشکیلات و تشکیلات لازم است. بدون یک حزب غیر علنی انجام این کار غیرممکن و صحبت درباره آن بیهوده است. ضمن پشتیبانی و بسط و توسعه دامنه حمله توده ها باید تجربه سال ۱۹۰۵ را در نظر گرفت و با توضیح لزوم و ناگزیری قیام باید خطر این قبیل تلاشهای قبل از موقع را گوشزد نمود و از آن جلوگیری کرد. رشد اعتصابهای توده ای، جلب شدن طبقات دیگر به مبارزه، وضع سازمانها، روحیه توده ها، تمام اینها عواملی است که بخودی خود لحظه ای را نشان خواهد داد که در آن باید تمام قوا برای حمله متحدانه و قطعی و تعرضی و جسورانه و فداکارانه انقلاب بر ضد سلطنت تزاری با یکدیگر متحد گردند.

آزادی در روسیه بدون انقلاب پیروزمندانه جامه عمل بخود نخواهد پوشید.
انقلاب پیروزمندانه در روسیه بوقوع نخواهد پیوست مگر اینکه سلطنت تزاری از طریق قیام پرولتاری و دهقانی سرنگون شود.

- ۱- لنین قبل از انتشار مقاله "اعتلای انقلابی" چگونگی اعتلای انقلابی نوین را توصیف نمود و وظایف حزب بلشویک را در شرایط نوین تعیین کرد بدین طریق : در ۲۶ آوریل (۹ مه) در جلسه شعبه سازمان مقیم خارجه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در پاریس ضمن گزارش درباره حوادث روسیه و تاکتیک حزبی ناشی از این حوادث و در ۳۱ مه (۱۳ ژوئن) در سخنرانی خود تحت عنوان "اعتلای انقلابی پرولتاریای روس"، در آگهی منتشره از طرف شعبه پاریس سازمان مقیم خارجه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه، برنامه این سخنرانی که با موضوع این مقاله مطابق است، درج شده بود.
- ۲- تیر اندازی لنا - منظور تیراندازی بسوی کارگران معدن طلای لنا (سیبری) در آوریل سال ۱۹۱۲ است. (رجوع شود به " دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست (بلشویک اتحاد شوروی"، ص ۲۳۶ ترجمه فارسی مسکو)
- ۳- سه وریانین Severyanin
- ۴- چنین بود و چنین هم خواهد بود - این سخنان را ماکارف وزیر کشور حکومت تزار در جلسه مورخ (۲۴) ۱۱ آوریل ۱۹۱۲ دومای دولتی در پاسخ به پرسش فراکسیون سوسیال دموکرات راجع به تیراندازی لنا گفته بود.

منتخب یکجلدی آثار لنین به فارسی صفحه ۳۴۲ تا ۳۴۵